

## آمریکا ستیزی در سیاست‌های جهانی

*Anti-Americanism in World Politics,*  
 Edited by: Peter J. Katzenstein &  
 Robert O. Keohane, New York: Cornell  
 University Press, 2007, 351 Pages

### فهیمة دهقانی ناژوانی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

#### مقدمه

حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در مناسبات جهانی بود که پیامدهای متعددی به دنبال داشت از جمله تقسیم‌بندی کشورها به خودی و دیگری و طبقه‌بندی‌های فکری و فرهنگی است. کتاب آمریکا ستیزی در سیاست‌های جهانی مجموعه‌ای است که موضوع مذکور را در یک دایره تاریخی و به لحاظ زمانی بسیار پیشتر از حادثه ۱۱ سپتامبر مورد بررسی قرار داده است. این کتاب با عمق بخشیدن به تحلیل محتوا، از توانایی لازم برای بررسی منظومه‌ای موضوع آمریکا ستیزی برخوردار است.

#### معرفی کتاب

کتاب آمریکا ستیزی در سیاست‌های جهانی مجموعه نوشتارهایی است در زمینه مطالعات آمریکا که با رویکردی

آسیب‌شناسانه جایگاه و موقعیت این کشور را در جهان امروز مورد بررسی قرار داده است. این کتاب که با همت و سرپرستی «پیتر کاتزنستن» و «رابرت کوهن» توسط انتشارات دانشگاه کرنل در یک مجموعه ۳۵۱ صفحه‌ای به چاپ رسیده، مشتمل بر یک پیشگفتار، یک مقدمه، پنج بخش و ده گفتار است. بخش اول این مجموعه با عنوان «آمریکا ستیزی و آمریکا گرایی» دو گفتار مجزا را در بر دارد که فصل اول توسط «پیتر کاتزنستن» و «رابرت کوهن» و فصل دوم توسط «دیوید کندی» به رشته تحریر در آمده است. بررسی تئوریک موضوع آمریکا ستیزی و همچنین خطرات فراروی تعهدات خارجی آمریکا و تاثیر این امر بر تصویر بیرونی این کشور موضوع این بخش می‌باشد. «پیر آنجلو آیزرنیا» و «جیا کومو چیوزا» در بخش دوم کتاب با عنوان «نگرش‌های مردمی درباره ایالات متحده آمریکا»، بررسی آمریکا ستیزی در اروپا در دوران جنگ سرد و همچنین نگرش‌های فردی درباره ایالات متحده را در کانون بررسی‌های پژوهشی خود قرار داده‌اند. «آمریکا ستیزی در جوامع گوناگون» عنوان بخش سوم کتاب است که با قلم «سوفی مونیر» در فصل پنجم، «آلاستر ایان جانستون» و «دانیل استوکمن» در فصل ششم و «مارس لینچ» در فصل هفتم، توصیفها و تحلیلهایی درباره آمریکا ستیزی در

قالبهای فرانسوی، چینی و عربی ارایه کرده است.

در بخش چهارم کتاب موضوع «پویایی و تحرک آمریکا ستیزی» با عنایت به موضوعاتی از جمله طرح کلی آمریکا ستیزی با تاکید بر نمونه‌های فرانسوی و اندونزیایی و همچنین بررسی میراث آمریکا ستیزی با رویکردی جامعه‌شناسانه، توسط «جان بوئن» در فصل هشتم و «داگ مک‌دام» در فصل نهم مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. سرانجام در بخش پایانی کتاب، «پیامدها و نتایج» آمریکا ستیزی با محوریت پیامدهای سیاسی آمریکا ستیزی و همچنین موضوع آمریکا ستیزی و چند چهره بودن آمریکا توسط «پیتر کاتزنستن» و «رابرت کوهن» تحلیل شده است.

آیا سال ۱۹۴۹ به لحاظ موقعیت و اعتبار جهانی آمریکا با سال ۲۰۱۰ قابل مقایسه است؟ درست ۶۱ سال پس از اینکه «هنری لوک» بشارت آغاز قرن آمریکا را به هم‌وطنان خویش داد، مرکز پژوهشهای پیو به عنوان یکی از مراکز معتبر نظر سنجی در جهان، با استناد به نتایج نظرسنجیهای خود در مورد نگرش کشورهای مختلف جهان درباره آمریکا، با اعلام تاسف، ناقوس بی‌اعتباری و انزجار اکثریت مردم جهان از این کشور را به صدا در آورد.

سوال مهمی که در اینجا مطرح

می‌شود، و تلاش اصلی کتاب مورد بحث پاسخ به آن است، این است که چرا به رغم توانایی اقتصادی، تفوق نظامی و به طور کلی اقتدار و توانایی این کشور در ابعاد مختلف قدرت اعم از سخت و نرم، محبوبیت و اعتبار جهانی دچار خدشه شده و آمریکا گرایی در حال چرخش و تغییر جهت به سمت آمریکا ستیزی است؟ در پاسخ به این سوال تنها اثبات و یا رد یک فرضیه در دستور کار قرار نگرفته، بلکه نویسندگان در گفتارهای مختلف با طرح فرضیه‌ای خاص، بررسی و اثبات آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

در گفتار نخست کاتزنستن و کوهن با طرح و تفکیک دو سوال کلیدی از یکدیگر، چارچوبی تئوریک برای مباحث خود فراهم آورده‌اند. در واقع، نویسندگان این فصل سعی کرده‌اند تا با بررسی منابع معتبر درباره موضوع آمریکا ستیزی، آنها را به دو دسته منابع اصلی و دست اول و منابع دست دوم تقسیم کنند. نکته قابل توجه اینکه تعریف آنها از منابع دست اول و دوم تعریفی خاص و ویژه است که تنها با طرح سوالات کلیدی آنها افشای ماهیت می‌کند. سوالات کلیدی نویسندگان این گفتار عبارت است از اینکه: ۱. آمریکا چیست؟ ۲. آمریکا چه می‌کند؟

کاتزنستن و کوهن بیان می‌دارند که منابع دست دوم آمریکا ستیزی در ارتباط

مستقیم با سوال دوم قرار دارد. در واقع آنها منابع دست دوم مطالعات خود را سیاستها و عملکرد جهانی آمریکا معرفی می نمایند، اما منبع اصلی مطالعات شان که با سوال نخست آنها نیز مرتبط می باشد، چگونگی کسب تفوق و برتری نظامی و اقتصادی آمریکا پس از جنگ سرد است. توضیح آنکه نویسندگان این فصل معتقدند که تا پیش از گسترده شدن آمریکا ستیزی در جهان بسیاری از مردم دنیا، آمریکا و آمریکایی شدن را به بهترین، خوبترین و عالی ترین، تفسیر و تعبیر می کردند، همچنان که هنوز نیز این تفسیر در میان عده ای از مردم جهان اعتبار دارد. از دید آنها بررسی سیر و چگونگی این «شدن» توسط آمریکا موضوعی است که بی شک می تواند مهم ترین منبع مطالعه آمریکا ستیزی باشد. کاتزنستن و کوهن در تحلیل دقیق تر آمریکا ستیزی، تنها به موضوع اخیر اکتفا نمی کنند و معتقدند که بررسی منابع آمریکا گرایی نیز موضوعی است که می تواند در فهم و تحلیل دقیق تر آمریکا ستیزی موثر باشد. در بررسی منابع آمریکا گرایی، نویسندگان این گفتار، گرایشهای فردی و تمایلات شخصی را مهم ترین منبع می دانند و به همین منظور و برای افزایش دقت در موضوع، بین نظر، گرایش و سوء ظن در این مورد تفکیک قایل می شوند. ایشان به منظور بسط تحلیلهای

خود به این نکته اشاره می کنند که آمریکا به عنوان سرزمین مهاجران، مجموعه ای متنوع و گوناگون از ارزشها و تمایلات فرهنگی را در خود جای داده و همین امر می تواند در گرایشهای فردی نقشی تعیین کننده داشته باشد. ضمن اینکه جامعه ای با تنوع و گوناگونی فرهنگی که تصویری از کثرت گرایی ارزشی و فرهنگی از خود به نمایش گذاشته، می تواند جاذبه ای عظیم برای مردم جوامع گوناگون با فرهنگهای متنوع داشته باشد.

گفتار دوم از بخش نخست کتاب، تحلیلهایی در مورد پیچیدگی موضوعات آمریکا گرایی و آمریکا ستیزی در خود جای داده است. دیوید کندی معتقد است که از سال ۱۴۹۲ با ابراز هویت آمریکا، این کشور به عنوان موضوعی جالب مورد توجه دانشمندان، دولتها و مردم اروپا قرار گرفت. نکته مهمی که کندی در بررسیها و تحلیلهای خود آن را برجسته می کند، این است که اگرچه آمریکای ۱۴۹۲ و دهه های نزدیک به آن با آمریکای امروز بسیار متفاوت است و شاید تحلیل آمریکای ۱۴۹۲ و چند دهه پس از آن در یک قالب تحلیلی منفی، کار بسیار دشواری باشد، اما باید به این مسئله اذعان داشت که آمریکا ستیزی هم زمان با تولد آمریکا متولد شده و در دهه ۱۹۹۰ هم زمان با اوج قدرت این کشور، دوران بلوغ خود را

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

آغاز نموده است. کندی معتقد است که هم‌زیستی آمریکا ستیزی و آمریکا گرایی نشان از پیچیدگی مطالعات آمریکا دارد، ضمن اینکه بررسی موضوع نیازمند نگرش دوبعدی در عرصه داخلی و خارجی (نسبت به آمریکا) نیز هست.

در بخش دوم کتاب با تمرکز بر نگرش‌های جهانی در مورد آمریکا، موضوع از حیث نظری و تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. آیزرنیا در گفتار سوم به عنوان مسئول بررسی‌های نظری، موضوع را از منظر معرفت‌شناختی مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است که تحلیل معرفت‌شناسانه، تنها نیازمند چارچوب‌های فلسفی نیست، بلکه رفتار، کنش و حتی کارکرد نیز می‌تواند منبع استخراج معرفت باشد. با این مقدمه، وی رفتار سربازان آمریکایی دست کم از ۱۹۵۲ به بعد را - یکی از مهم‌ترین منابع معرفتی معرفی می‌نماید.

آیزرنیا همچنین به این مسئله می‌پردازد که ناهمگونی رفتار و عملکرد آمریکا در نقاط مختلف جهان، باعث ناهمگونی گرایشها و عدم توازن بین آنها شده است. گفتار چهارم ادامه مباحث آیزرنیا، با رویکردی تجربی است. چپوزا در این فصل با استناد به نتایج نظرسنجی‌های مختلفی که توسط موسسات تحقیقاتی متعدد به ویژه مرکز پژوهش‌های پیو انجام شده، انزجار گسترده از آمریکا و

پیامدهای ناشی از آن را به عنوان معضل هزاره جدید معرفی می‌کند. وی با اشاره به نگرش مردم مناطق مختلف جهان در مورد آمریکا اذعان می‌دارد که اگرچه از بین مردم ۴۲ کشور مهم جهان، مردم ۳۲ کشور دارای نگرش و دیدگاه منفی نسبت به آمریکا هستند، اما حتی موج انزجار تمام مردم کشورهای منفی نگر نیز با گستردگی نفرت از آمریکا در خاورمیانه قبال قیاس نیست. در واقع، خاورمیانه حاوی و شاهد بزرگ‌ترین و حتی خطرناک‌ترین نوع از انواع آمریکا ستیزی است. نویسنده با اشاره به مباحث نظری و معرفتی آیزرنیا به این نتیجه می‌رسد که شاید عملکرد آمریکا در خاورمیانه در نوع خود بسیار نامعقول و حتی غیر انسانی بوده و یا دست کم این گونه تفسیر شده، و سرانجام ماهیت واقعی رفتار آمریکا و یا سوء تفسیر از آن، موج عظیم نفرت را در این منطقه سبب شده است.

در بخش سوم کتاب که شامل سه گفتار پنجم، ششم و هفتم است، آمریکا ستیزی از منظری جامعه‌شناسانه مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش اگرچه سعی شده تا موضوع در حوزه‌های غیرسیاسی و اغلب اجتماعی - فرهنگی بررسی گردد، اما نویسندگان به ناچار از مصداق‌ها و نمونه‌های سیاسی نیز بهره گرفته‌اند. منطق تحلیل در این بخش منطق

تعمیم است و در هر سه گفتار از روش استقرایی استفاده شده است. در گفتار پنجم، مونیبر با بررسی گرایشها در فرانسه به عنوان مورد مطالعاتی خویش، نتایج یافته‌های خویش را به کل مردم اروپا تعمیم می‌دهد. یکی از نکات قابل توجه در این فصل این است که به منظور بررسی دقیق گرایشها در هر کشور، موضوعی که در کانون توجه کشور مورد مطالعه به طور اخص و منطقه جغرافیایی آن کشور به طور اعم قرار دارد، به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده و واکنشها و موضع گیریها نسبت به آن موضوع نیز به عنوان متغیر وابسته تعریف شده است. البته نویسندگان این بخش با هدف افزایش دقت در تحلیلهای خود از متغیرهای واسطه نیز بهره گرفته‌اند. برای نمونه در گفتار پنجم، متغیر مستقل مونیبر موتور جستجوگر گوگل تعریف شده است. وی معتقد است که مهم‌ترین مسئله منطقه اروپای غربی به طور کلی و فرانسه به طور اخص، دانش، اطلاعات و رسانه است، به همین دلیل انتخاب این موضوع را در تعریف نگرشها بسیار موثر می‌داند. جانستون و استوکمن در گفتار ششم، مورد چین را مطالعه و بررسی نموده و با تعریف تایوان به عنوان متغیر مستقل مبحث خود، نتایج یافته‌های خود را به کل آسیای خاوری تعمیم داده‌اند. نویسندگان این فصل

تاحدی از چارچوب جامعه شناختی فاصله گرفته بیشتر با رویکردی سیاسی تحلیل می‌نمایند. ایشان معتقدند که اگرچه تایوان در بین مباحث سیاسی جهان از جایگاه مهمی برخوردار نیست، اما در قالب مطالعات منطقه آسیای خاوری، تایوان موضوعی ویژه و حتی مهم است و نقش و موضع آمریکا در قبال مسئله تایوان در شکل دادن به نگرش مردم چین به طور اخص و آسیای خاوری به طور اعم خالی از اهمیت و توجه نیست. لینیچ در گفتار پایانی بخش سوم، بحران فلسطین را در نقش متغیر مستقل و مواضع و دیدگاههای مردم منطقه خاورمیانه را به عنوان متغیر وابسته تعریف نموده است. لینیچ در بررسیهای خود تنها به یک نمونه مطالعاتی اکتفا کرده و مصر را موردی مناسب و مهم دانسته است. وی نیز همچون سایر همکاران خود در این بخش روش استقرایی را مناسب یافته و حمایتهای آشکار و پنهان آمریکا از اسرائیل و همچنین موضع این کشور در قبال مسایل و فجایع فلسطین را منبع تولید واکنشهای مردم مصر و تعیین گرایش و جهت گیری آنها می‌داند و معتقد است که مصر آینده گرایشهای مردم منطقه خاورمیانه درباره آمریکا است.

در بخش چهارم کتاب با استفاده از روشهای مطالعاتی رشته انترپولوزی، آمریکا ستیزی تحلیل معنایی شده است. در

گفتار هشتم جان بوئن با استفاده از مفاهیم و قالبهای تحلیلی انسان شناسی، آمریکا ستیزی را در دو کشور فرانسه و اندونزی مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است، البته وی در تحلیلهای خود تنها از انسان شناسی عمومی بهره نگرفته و مباحث وی تا حد قابل توجهی با موضوعات و مسایل کانونی انسان شناسی سیاسی مرتبط می باشد. نتایج تحلیلهای وی بسیار جالب و قابل توجه است. وی معتقد است که به رغم اینکه اندونزی کشوری مسلمان است و چنین به نظر می رسد که آمریکا ستیزی در جوامع مسلمان بسیار قوی تر از سایر کشورها به ویژه کشورهای سکولار است، اما موج آمریکا ستیزی در فرانسه بسیار قوی تر از اندونزی است و حتی ثبات در این گرایش در کشور فرانسه بیشتر است. مباحث مک دام در فصل نهم را می توان سوار بر تحلیلهای جانستون و استوکمن دانست. وی معتقد است که آمریکا ستیزی میراث دموکراسی است و آن چنان که کشورهای دموکراتیک در این زمینه قوی و قانون مدار عمل نموده اند، سایر کشورها به ویژه کشورهای مسلمان دارای اثر ماندگار و ارزشمندی که بتواند الگوی جنبشهای اجتماعی جدید در ساختار نوین جهانی واقع گردد، نیستند. وی به طور کلی بر این نکته تاکید می کند که ساختارهای دموکراتیک در تولید گرایشهای

غیرهیجانی و سازمان یافته، اعم از اینکه این گرایش دارای وجهه ای موافق باشد یا مخالف، توانایی و امکانات بیشتری دارند، بر این اساس، وی گرایشهای منفی جوامع غیردموکراتیک درباره آمریکا را آمریکا ستیزی معنا نمی کند و معتقد است که این مخالفتها احساسات و هیجاناتی بیش نیستند.

در بخش پایانی کتاب، کوهن و کاتزنستن با رویکردی کاملاً سیاسی نتایج و پیامدهای آمریکا ستیزی را بررسی نموده اند. ایشان در تحلیل پیامدهای مسئله، ابتدا بر این نکته تاکید می کنند که فهم دقیق آمریکا ستیزی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و عدم فهم دقیق موضوع ممکن است باعث بی اهمیت جلوه دادن و در نتیجه بی توجهی نسبت به آن گردد. در ادامه آنها پیامدهای آمریکا ستیزی را صرفاً در یک دایره سیاسی بررسی نموده و اذعان می دارند که مسایل مهم جهانی به ویژه جنگ و مبارزه علیه تروریسم به شدت تحت تاثیر آمریکا ستیزی قرار گرفته است. موضوعاتی از جمله عضویت در اتحادیه ها و ائتلافهای مختلف نیز از جمله موضوعاتی است که به زعم کوهن و کاتزنستن تحت الشعاع آمریکا ستیزی قرار گرفته است. ایشان در نتیجه گیری مباحث کتاب بیان می دارند که آمریکا ستیزی نتیجه

عملکردهای فرهنگی و سیاسی آمریکا است؛ کوهن و کاتزنستن آمریکاستیزی را به آینه‌ای تشبیه می‌نمایند که کنشهای سیاسی این کشور در آن قابل مشاهده است. آنها در پایان اظهار امیدواری می‌کنند که شاید این آینه محذب بتواند زمینه‌های چرخش و تغییر در سیاست جهانی آمریکا را فراهم نماید.

### نقد کتاب

این مجموعه از گفتار را می‌توان جزو نخستین گام‌های علمی - تحلیلی در موضوع آمریکاستیزی دانست. با طرح و ابراز هویت جنبش جهانی آمریکاستیزی به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر، تحلیلها در مورد این موضوع افزایش قابل توجهی پیدا کرد، اما عمده این تحلیلها توسط رسانه‌ها و یا مطبوعات ارایه می‌شد و کمتر تحلیلی با قالب تئوریک و علمی یافت می‌شد. از آغاز دوره دوم ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، نگارش کتاب و مقاله در مورد آمریکاستیزی مورد توجه پژوهشگران و اساتید دانشگاه قرار گرفت، اما به دلیل تازگی موضوع، عمده منابع متوجه تحلیل‌های رسانه‌ای و ژورنالیستی بود و همین امر باعث کاسته شدن از ارزش علمی محصولات می‌شد. به همین دلیل این مجموعه و کتابهای نظیر آن را می‌توان قابل توجه و ارزشمند دانست.

نکته دیگری که به نظر باعث برجسته شدن این کتاب می‌شود، استفاده از روشهای متعدد و مهم پژوهشی توسط نویسندگان آن است؛ البته اینکه روشهای به کار گرفته شده تا چه اندازه استعداد و توانایی تحلیل مظروف خود را داشته، بحث دیگری است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. اما تحلیل موضوعات با رویکردهای پژوهشی و قالب‌های علمی

موضوعی است که بدون تردید باعث افزایش اعتبار آثار علمی می‌گردد. تحلیل‌های میان رشته‌ای نیز از دیگر نقاط قوت کتاب است، همچنان که استفاده از مفاهیم انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی جذابیت ویژه‌ای به کتاب داده است. به نظر می‌رسد که توجه به برخی از موضوعات می‌توانست در افزایش غنای علمی آن بسیار موثر واقع شود؛ مهم‌ترین مبحث، روش‌شناسی برخی گفتارها است. برای نمونه، منطق تعمیم و روش استقرایی گفتارهای پنجم، ششم و هفتم این کتاب، مضامین ارزشمند این فصول را با مشکلاتی مواجه کرده است. بی‌تردید کشف و تعریف معضل کانونی مناطق مختلف دست کم از منظر مطالعات منطقه‌ای از اهمیت و ارزش قابل توجهی برخوردار است، اما نگرشها حتی به موضوعی که در کانون توجه منطقه قرار دارد، در کشورهای مختلف از وجهه‌های مختلف برخوردار است و نمی‌توان تنها با